

Presenting an Optimal Model of Cognitive-Educational Learning Style with Emphasis On The Culture of Communication Language Teaching Approach

ARTICLE INFO

Article Type

Reaserch paper

Authors

Hadiseh Abdari¹
Hassan Shahrakipoor^{2*}
Afsaneh Saber Garekani³

How to cite this article

Hadiseh Abdari, Hassan Shahrakipoor, Afsaneh Saber Garekani, Provide an Optimal Model of Cognitive-Educational Learning Style with Emphasis On The Culture of Communication language teaching Approach, *Journal of The Ministry of Health and Medical Education*, 2019:3(3): 125-135.

1. PhD Student, Department of Curriculum Planning, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran
2. Associate Professor, Department of Educational Management, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Curriculum Planning, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran

* Correspondence:

Address: Rudehen Branch, Islamic Azad University, rudehen ,Iran
Phone: 09121320244
Email: h.shahrakipoor@riau.ac.ir

Article History

Received: 2019/07/11
Accepted: 2019/09/14
Published: 2019/09/22

ABSTRACT

Purpose: The aim of this study is to provide an optimal model of cognitive-educational learning style with emphasis on the culture of communication language teaching approach.

Materials and Methods: The research method was mixed or combined method. Thus, in the first part, by analyzing the inductive content, the dimensions and components of educational learning of high school students with emphasis on the communication approach are identified and in the second part, their validation is done by a descriptive survey method. The statistical population in the first part was expert professors, authors and heads of departments and in the second part was high school students in Tehran. In the quantitative part, the number of interviewees was 15 and in the quantitative part, using Cochran's formula, the number of samples was estimated at 202 and they were selected using the sampling method in relation to the educational area. The research tool in the first part is a semi-structured interview and in the second part, a researcher-made questionnaire based on the dimensions and components extracted from the perspective of various experts, whose face and content validity has been confirmed by academic experts after the study. The reliability of the questionnaire during the calculation of Cronbach's alpha coefficient was equal to 0.90. In qualitative analysis of the findings, a model was used and in quantitative analysis of data, confirmatory factor analysis method was used.

Findings: The results showed that communication dualism, two-way communication, communication approach culture, active self-confident approach, facilitating transferable skills were the axes of the optimal model of educational learning of high school students with emphasis on communication approach. In the current situation, the average of facilitating transferable skills and culture of communication approach from the perspective of high school students was higher than expected, but the average of other components was lower than expected.

Conclusion: Based on the findings of this study, it can be concluded that the use of communication learning based on the communication approach has been effective in promoting English language learning, so this study uses the teachings of the theory of communication approach to improve English language learning. Suggests a foreign language title.

Keywords: communication language teaching approach, educational learning, high school students

ارائه مدل مطلوب سبک یادگیری شناختی-آموزشی با

تاکید بر فرهنگ رویکرد ارتباطی

حدیثه آبدری^۱

دانشجوی دکتری، گروه برنامه ریزی درسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

حسن شهرکی پور^{۲*}

دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول).

افسانه صابر گرگانی^۳

استادیار، گروه برنامه ریزی درسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر ارائه مدل مطلوب سبک یادگیری شناختی-آموزشی با تأکید بر فرهنگ رویکرد ارتباطی می باشد.

مواد و روش ها: روش پژوهش روش آمیخته یا ترکیبی بود. بدین صورت که در بخش اول با تحلیل محتوای استقرایی، ابعاد و مولفه های یادگیری آموزشی دانش آموزان دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد ارتباطی شناسایی و در بخش دوم با روش توصیفی از نوع پیمایشی به اعتبار سنجی آنها پرداخته شده است. جامعه آماری در بخش اول، اساتید صاحب نظر، مولفین و سرگروه های درسی و در بخش دوم دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران بود. در بخش کیفی تعداد مصاحبه شوندگان ۱۵ نفر و در بخش کمی با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۰۲ نفر نمونه برای آن برآورد و با استفاده از روش نمونه گیری به نسبت منطبقه آموزشی انتخاب شده اند. ابزار پژوهش در بخش اول، مصاحبه نیمه ساختار و در بخش دوم، پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر ابعاد و مولفه های استخراجی از دیدگاه صاحب نظران گوناگون است که روایی صوری و محتوایی آن پس از مطالعه توسط متخصصان دانشگاهی تأیید شده است. پایایی پرسشنامه نیز طی محاسبه ضریب آلفای کرانباخ برابر با ۰/۹۰ بود. در تحلیل کیفی یافته ها از یک مدل و در تحلیل کمی داده ها روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شد.

یافته ها: نتایج نشان داد توانایی ارتباطی، ارتباط دو سویه، فرهنگ رویکرد ارتباطی، رویکرد خود باورانه فعال، تسهیل مهارت های قابل انتقال محورهای مدل مطلوب یادگیری آموزشی دانش آموزان دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد ارتباطی بودند. در شرایط موجود میانگین تسهیل مهارت های قابل انتقال و فرهنگ رویکرد ارتباطی از دیدگاه دانش آموزان دوره متوسطه بیشتر از حد انتظار بود ولی میانگین بقیه مولفه ها کمتر از حد انتظار بود.

نتیجه گیری: براساس یافته های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که استفاده از یادگیری آموزش مبتنی رویکرد ارتباط گرای در ارتقاء یادگیری زبان انگلیسی مؤثر بوده است، لذا این پژوهش استفاده از آموزه های نظریه ی رویکرد ارتباط گرای را به منظور ارتقاء یادگیری زبان انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی پیشنهاد می کند.

واژگان کلیدی: رویکرد ارتباطی، یادگیری آموزشی، دانش آموزان دوره متوسطه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۳

* نویسنده مسئول: h.shahrakipoor@riau.ac.ir

مقدمه

امروزه دیدگاه های فراوانی درباره فرایند یادگیری وجود دارند. شماری از دانشمندان از این میراث غنی و دیدگاه های فراوانی که درباره فرایند یادگیری وجود دارد، به عنوان یک پارادایم حمایت می کنند. دست کم چهار پارادایم را می توان در نظریه های یادگیری شناسایی کرد. یکی از این پارادایم ها داروینیسیم را منعکس می کند زیرا بر رابطه بین یادگیری و سازگاری با محیط تأکید می ورزد. دومین آنچه یادگیرنده در ضمن آموزش رسمی درباره موضوعات درسی می آموزد یادگیری آموزشی است. هم کسب دانش است هم تغییر در رفتار. در این رویکرد یادگیری فعالیتی است که از سوی یادگیرنده انجام شده و او در به وجود آوردن آن دخالت مستقیم دارد و نقش آموزش دهنده تنها تسهیل این فرایند است. در واقع مدرس از راه آموزش، در فرایند یادگیری فراگیران دخل و تصرف می کند تا بر یادگیری آنان تأثیر مثبت بگذارد (۱). دومین پارادایم تداعی گرای است، زیرا فرایند یادگیری را بر حسب قوانین تداعی مطالعه می کند. این پارادایم را ابتدا ارسطو ابداع کرد و بعد ها به وسیله لاک ۲ و هیوم ۳ ابقا گردید و بسط داده شد. سومین پارادایم، پارادایم شناختی است، زیرا ماهیت شناختی یادگیری را مورد تأکید قرار می دهد. این پارادایم را افلاطون ۴ ابداع کرد و از طریق کانت ۵، دکارت ۶ و روانشناسان قوای ذهنی به ما رسیده است. چهارمین پارادایم عصبی- فیزیولوژیکی است، زیرا در آن کوشش می شود وابسته های عصبی- فیزیولوژیکی پدیده هایی چون یادگیری، ادراک، تشکر و هوش مشخص شوند. یافتن یک نظریه یادگیری که به طور آشکار در یک پارادایم قرار بگیرد دشوار است اما می توان بر اساس تأکید عمده هر نظریه را در پارادایم معینی قرار داد (۲).

دردی پور (۳) در پژوهش خود به نظریه یادگیری تحولی و معنا و مفهوم یادگیری در آن اشاره نموده و بیان می کند که مطالعه یادگیری تحولی با کار جک مزایرو در سالهای ۱۹۸۱ آغاز شد. یادگیری تحولی به عنوان نوعی از یادگیری تعریف شده است که نسبت به سایر روش های یادگیری سبب تغییرات بیشتری در یادگیرندگان می شود و تجارب پیشین یادگیرنده را تحت تأثیر قرار می دهد. مزایرو اشاره می کند که آموزش موفق آن است که در بردارنده فعالیت ها و نتایجی فراتر از انتقال صرف محتوا و مهارت باشد. چرا که هدف نهایی آموزش خوب، ایجاد استقلال در یادگیری، خودگردانی و خود انگیزی فراگیرندگان است. آموزش مبتنی بر یادگیری تحولی بر پرسش و پاسخ، تفکر انتقادی، رشد تفکر سطح بالا و مهارت های ارتباطی تأکید دارد. در این رویکرد دانش آموزان باید محدودیت های دانش و مهارت های فعلی خود را تشخیص دهند و فرصت کافی برای آزمایش و اعمال مهارت ها و دیدگاه های جدید خود داشته باشند (۴).

آموزش با یادگیری متفاوت است. یادگیری، هدف آموزش است. آموزش کار مری و آموزگار و یادگیری کار دانش آموز است. از تعامل دانش آموز و آموزگار یادگیری حاصل می شود. برخی از انواع آموزش، به یادگیری می انجامد که این نوع از آموزش را آموزش موثر می نامند. از سوی دیگر برخی از انواع یادگیری بر آموزش استوار نیست. بلکه این خود یادگیرنده است که به آموختن اقدام می کند و یادگیری را در خود ایجاد می کند. هدف آموزش تسهیل و ایجاد بهبود در فرایند یادگیری و مستلزم فعالیت متقابل مدرس و فراگیر است. یادگیری یک فرایند درونی

1 Arastoo

2 Lak

3 Hiyum

4 Aflatoon

5 kant

6 Dekart

آخرین و جدیدترین مدل توانایی ارتباطی، مدلی است که توسط لیتل وود در سال ۲۰۱۱ ارائه شده است. وی مولفه های توانایی ارتباطی را به این شرح می داند:

توانایی کلامی شامل دانش واژگان، دستور زبان، معنا شناسی و آواشناسی است که محور سنتی یادگیری زبان دوم است. توانایی گفتگو که باعث می شود یادگیرندگان در مباحث شرکت کنند و با پیوند دادن ایده ها در متون نوشتاری و گفتاری و همچنین تعامل بیشتر و مشارکت در یادگیری شرکت فعال داشته باشند.

توانایی عملگرایی که باعث می شود از حداقل منابع زبانی خود برای انتقال و تفسیر معانی در موقعیت های واقعی و مواردی که با مشکل مواجه می شوند، استفاده کنند.

توانایی جامعه شناختی که شامل دانش نحوه استفاده مناسب از زبان در موقعیت های اجتماعی است. به عنوان مثال میزان رسمی یا غیر رسمی بودن است.

صلاحیت اجتماعی فرهنگی شامل آگاهی از دانش فرهنگی و فرضیاتی است که بر تبادل معانی تاثیر می گذارد و ممکن است منجر به سوئی تفاهم در ارتباطات بین فرهنگی شود.

این مولفه آخر جنبه های روانشناختی مهارت زبان دوم را معرفی می کند که برای استفاده از زبان ارتباطی اساسی است. به طور کلی بررسی همه الگوهای توانایی ارتباطی نشان می دهد که علی رغم اختلاف اندک آنها در مفاهیم کلی مشترک هستند و با گذشت زمان، محققان سعی کرده اند مدل های پیشنهادی محققان قبلی را ارتقا بخشیده و توسعه دهند (۱۱). با توجه به موارد فوق و با توجه به مطالعات و تجربیات و شکایات یاددهندگان و یادگیرندگان در امر یادگیری زبان دوم، پژوهشگر به دنبال ارائه مدلی برای یادگیری مطلوب زبان دوم با توجه به رویکرد ارتباطی برای دانش آموزان دوره متوسطه می باشد که موانع و مشکلات پیش رو با یادگیری زبان دوم خصوصاً زبان انگلیسی را مرتفع نماید؛ و اینکه، مولفه ها و عناصر مدل مطلوب یادگیری آموزشی دانش آموزان با تاکید بر رویکرد ارتباطی کدامند؟ وضعیت مولفه های یادگیری آموزشی دانش آموزان دوره متوسطه با تاکید بر رویکرد ارتباطی در شرایط موجود چگونه است؟

با بهره گیری از نتایج این پژوهش مولفه ها و عناصر مدل مطلوب یادگیری آموزشی دانش آموزان با تاکید بر رویکرد ارتباطی شناسایی و وضعیت موجود مولفه های آن مشخص می گردد و می توان ضمن شناسایی متغیرهای موثر اقداماتی را برای بهبود آنها انجام داد و متناسب با یافته ها پیشنهادهای لازم به مسئولان امر ارائه می شود.

یادگیرنده است و آموزش نسبت به یادگیری جنبه بیرونی دارد (۵).

یادگیری آموزشی مجموعه ای از رویدادهای به عمد ترتیب داده شده است که برای حمایت از فرایند های درونی یادگیری طراحی شده است و به هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی شده ای گفته می شود که هدف آن یادگیری در یادگیرندگان است (۶). محققان علوم تربیتی، یادگیری را از دیدگاه های گوناگون مورد بررسی قرار داده اند و یافته های آنان در تبیین پدیده یادگیری به ارائه نظریه های مختلفی منجر شده است. (۱) نظریه یادگیری شناختی در آموزش، در این نظریه بر استفاده از پیش سازمان دهنده و نقشه مفهومی تأکید می شود. به اعتقاد آزیول یکی از مؤثرترین روش های یادگیری این است که معلم قبل از شروع هر درس، خلاصه ای از مواردی را که باید تدریس شود بیان کند و این مطالب کلی را پیش سازمان دهنده نامید. در مورد استفاده از نقشه مفهومی آزیول معتقد است که یادگیرندگان نمی توانند با حفظ مطالب و یادگیری پراکنده یک یادگیری واقعی داشته باشند، بلکه باید از طریق سازماندهی کردن، ارتباط دادن و اضافه کردن، یادگیری معنادار را در خود به ارتقا دهند (۷).

نظریه سازنده گرایی در آموزش، در این نظریه بر روش های تدریس دانش آموز محور مثل یادگیری مشارکتی و یادگیری اکتشافی و کسب دانش در بافت اجتماعی به صورت تعاملی تأکید می شود. این تعامل ممکن است تعامل فراگیر با فراگیر باشد یا تعامل فراگیر با یاد دهنده.

نظریه یادگیری ارتباط گرایی ۱ در آموزش، فنوگلیو ۲ معتقد است که این نظریه از توان بالقوه ای برای افزایش درگیری دانش آموزان در تجارب یادگیری برخوردار است. رویکرد ارتباطی بیشتر بر یادگیری زبان دوم تأکید دارد. این روش به زبان آموز کمک می کند با کسب مهارت های چهارگانه شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن، بر توانش ارتباطی تسلط پیدا کند (۸). رویکرد ارتباطی از آغاز پیدایش تا کنون دستخوش تحول شده است. دوره نخست از آغاز دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ به دوره کلاسیک معروف است. از دهه ۱۹۹۰ به بعد رویکرد ارتباطی در حد وسیعی برای آموزش زبان دوم به کار گرفته شد. روش تدریس ارتباطی امروزه به مجموعه ای از اصول متفق اشاره دارد که به شیوه های مختلفی با توجه به موقعیت، سن فراگیران، اهداف یادگیری و موارد دیگر قابل اجرا می باشد (۹). آموزش ارتباطی زبان را به عنوان یک تغییر پارادایمی در حوزه آموزش زبان ذکر می کند که در بستر تغییر پارادایمی کلان از مدرنیسم به پست مدرنیسم و از رفتار گرایی به شناخت گرایی شکل گرفته است. آموزش ارتباطی زبان مستلزم دور شدن از اصول روانشناسی رفتارگرا و زبان شناسی ساختارگرا به سمت روانشناسی شناختی و شناختی - اجتماعی و دیدگاه های زبانی بر پایه معنا و کنش می باشد. در رویکرد ارتباطی هدف تسلط و فراگیری توانش ارتباطی است که طبق این رویکرد بر توانش زبانی ۳ تقدم و اولویت دارد، و این برخلاف روش های سنتی پیشین است که یادگیری ساختهای زبانی غایت زبان آموزی بوده است. البته باید تأکید کرد که در رویکرد ارتباطی آموزش ساختهای زبانی/دستوری حذف نمی شود و مسلماً بدان نیاز است. تنها این که آموزش کارکردهای ارتباطی ۴ ارتباطی بر آموزش ساخت زبانی تقدم دارد (۱۰).

1-communicative approach-

3-Fenoglio

3 - language competence

4- communicative functions

5-Little Wood

جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده داخلی

محقق	سال	عنوان پژوهش	نتایج
نجاتی، چراغی، ناصری	۱۳۹۷	ارزشیابی نموده‌های رویکرد ارتباطی در کتاب انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه ایران	نتایج نشان می‌دهد که مولفه ارتباط گروهی دارای بیشترین اثر و برقراری ارتباط زبانی دارای کمترین اثر می‌باشد دیگر مولفه‌ها عبارتند از انطباق با فرهنگ کشور، تقویت ارتباط دونفره، توجه به اصل معناداری و برقراری ارتباط و در مجموع انطباق این کتاب با معیارهای ارتباطی قابل قبول است.
خیرآبادی داوری علوی مقدم	۱۳۹۶	سنجش برداشت کیفی معلمان از آموزش با رویکرد ارتباطی و جایگاه این مقوله در کتابهای نو تالیف زبان انگلیسی	به جایگاه این رویکرد در کتابهای جدید التایف پرداخته‌اند و نقش رویکرد ارتباطی را در کتابهای درسی از منظر معلمان ارزیابی نموده‌اند که مهمترین نتیجه‌ای که از این تحقیق به دست آمده است این است که بسیاری از معلمان حتی در حد مبانی نظری با این رویکرد آشنایی ندارند
خیرآبادی، علوی مقدم	۱۳۹۶	فرصت‌ها و چالش‌های فراروی آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی ایران	نتایج پژوهش نشان داد که رویکرد سنتی به آموزش زبان، کمبود وقت و عدم تعیین چشم‌انداز آموزشی از مهمترین چالش‌های فراروی آموزش زبان در کشور ایران است که برای برطرف نمودن این چالش‌ها پیشنهادهایی همراستا با اسناد کلان به ویژه برنامه درسی ملی عرضه شده است.
اقتصادی	۱۳۹۶	مدل‌هایی برای توانش ارتباطی	بالاخره آموزه‌های تغییر در رویکرد آموزش زبان به رویکرد ارتباطی برای دست در اندرکاران دوره‌های پیش از خدمت و ضمن خدمت آموزش معلمان در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد.
محمدخانی و همکاران	۱۳۹۶	عوامل موثر بر ارتقای مولفه‌های فرهنگی آموزش زبان خارجی و ارائه یک الگوی مناسب در زبان انگلیسی	پیشنهاداتی با توجه به یافته‌های پژوهش ارائه داده‌اند به این ترتیب که ساختار محتوای آموزشی متناسب با عوامل ذاتی و درونی در ابعاد فرهنگی و آموزشی طراحی شود. و به مولفه‌های فرهنگی و آموزشی به عنوان چشم‌انداز آموزشی در تدریس زبان انگلیسی اشاره شود.

ادامه جدول ۲. پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده داخلی

محقق	سال	عنوان پژوهش	نتایج
براری و همکاران	۱۳۹۶	عنوان نقش و وظیفه معلم در محیط‌های دیجیتالی بر اساس نظریه ارتباط گرابی	نتایج تحلیل منجر به تشخیص نقش‌های مهم معلم به صورت یک الگو در محیط‌های آموزشی مبتنی بر فناوری بر طبق نظریه ارتباط گرابی گردید.
کریمی	۱۳۹۵	عنوان آموزش زبان دوم با رویکرد ارتباطی	نتایج این تحقیق نشان دهنده شکایات فراوان نسبت به این رویکرد به دلیل آشنا نبودن با روش‌های کارآمد برای یادگیری زبان دوم با این رویکرد می‌باشد.
شیری	۱۳۹۵	رویکرد ارتباطی در آموزش زبان فرانسه،	نتیجه‌گیری که از این تحقیق صورت گرفته است میزان کارآمد بودن رویکرد ارتباطی را در امر آموزش زبان نشان داده است.
عباس‌نژاد و سلیمی	۱۳۹۵	بررسی متون خواندن کتاب "فارسی بیاموزیم" بر مبنای رویکرد ارتباطی	به این نتیجه رسیدند که کتاب در انتخاب و طراحی متون برخی از معیارهای اصول ارتباطی را نقض کرده است.
چناری	۱۳۹۴	کاربرد رویکرد مهارت - محور ارتباطی در آموزش زبان دوم	این رویکرد افزایش مهارت‌های اجتماعی و برقراری ارتباط موثر و هدفمند و بهبود یادگیری زبان دوم را نتیجه‌گیری کرده است.
پهروزی، آموزگار علیپور	۱۳۹۴	عنوان آسیب‌شناسی برنامه درسی زبان انگلیسی از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان دوره متوسطه در شهر بوشهر	نتایج نشان داد که عوامل آموزشی مانند (استفاده از الگوها و روش‌های تدریس نامناسب، عدم وجود امکانات و تسهیلات لازم، رویکردهای ارزشیابی غیر معمول برنامه درسی زبان انگلیسی، فقدان نگاه کاربردی به یادگیری درس زبان انگلیسی) و عوامل برنامه درسی تحت عنوان (نبود پیش‌زمینه فرهنگی، ناتوانی در استفاده از روشهای جدید و مدرن آموزش زبان انگلیسی، استفاده از متون و محتوای نامانوس و کم بودن تعداد ساعات آموزش زبان انگلیسی) از مهمترین آسیب‌های برنامه درسی مورد مطالعه می‌باشد.

ادامه جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده داخلی

محقق	سال	عنوان پژوهش	نتایج
نیکو	۱۳۹۳	نگرش معلمان زبان دوم مقطع متوسطه نسبت به رویکرد ارتباطی آموزش زبان	نتایج و تحلیل‌ها نشان دهنده آشنا نبودن دبیران با این رویکرد و نداشتن مدل و یا الگویی برای ارائه محتوا با این روش است و وابسته بودن به روش سنتی آموزش زبان دوم که متأسفانه سالیان سال است روش اجرایی می‌باشد و از شروع تغییر کتب جدید که تأکید بر این نوع رویکرد در تمام اجزا برنامه درسی از طراحی تا اجرا و ارزشیابی شده است، اما به طور قطعی نه تنها در بحث آشنایی با این شیوه، بلکه در اجرای آموزش و یادگیری دچار سردرگمی شده است
حسینی	۱۳۹۲	مطالعه تطبیقی برنامه درسی	نتایج نشان می‌دهد که آموزش زبان انگلیسی در ایران از لحاظ زمان آغاز آموزش و

خواه وهمکاران	آموزش زبان انگلیسی در ایران و سوئد با تأکید بر دوره متوسطه	ساعات درسی ، هدف های برنامه درسی ، محتوای پیشنهاد شده و محتوای کتاب های درسی و آزمون های ملی دچار نا همخوانی ها و کاستی هایی است .
زارعی زوارکی	۱۳۹۱ طراحی آموزشی و محیط های یادگیری با رویکرد تلفیقی، نقدی بر مدل های پیشین و ارائه مدلی نوین	نتایج این پژوهش نشان داد که مدل های طراحی آموزشی و محیط های یادگیری در برگیرنده کلیه عناصر اساسی مورد نیاز در یک برنامه جامع نیستند و نشان داد که رویکرد تلفیقی و به کارگیری ویژگی ها و اصول و الزامات مدل های نوین تأثیر مثبت دارد .
خامسان ، برادران خاکسار	۱۳۹۰ مقایسه آموزش زبان با استفاده از نقشه مفهومی فردی و مشارکتی با شیوه سنتی	به این نتیجه رسیدند که معلمان در مقاطع مختلف تحصیلی از این روش جهت ایجاد یادگیری معنا دار می توانند استفاده کنند . و این روش می تواند در افزایش یادگیری واژگان و درک مطلب فراگیران مورد استفاده قرار گیرد.
نواده عسگری موسی پور عنابی سراب	۱۳۸۹ تحلیل و آسیب شناسی محتوای کتب درسی زبان انگلیسی دوره متوسطه و ارزیابی آن با معیار رویکرد آموزش ارتباطی	نتایج این مطالعه نشان می دهد هدف از تالیف کتب درسی مربوطه آموزش اجزا و عناصر زبان می باشد و این کتب بر اساس نظریه ساختارگرا شکل گرفته است. فعالیت ها بر اساس روش های سنتی در قالب جمله ها و الگوهای زبانی میباشد در حالیکه بر اساس رویکرد ارتباطی فعالیت ها بر اساس بافت و متن معنادار تنظیم می شوند .

جدول ۳. پیشینه پژوهش های انجام شده خارجی

محقق	سال	عنوان پژوهش	نتایج
جانسون	۲۰۱۹	مهارت های ارتباطی در حوزه گوش دادن و سخن گفتن	به کارکردها و مدل های مختلف مهارت ارتباطی پرداخته است و مدل هایی را برای تقویت این مهارت ها ارائه داده است که بسیار کاربردی برای دانش آموزان و معلمان در فرایند یاددهی و یادگیری می باشد .
تابیت	۲۰۱۸	توانش ارتباطی در زبان انگلیسی به عنوان زبان	به توانش ارتباطی به عنوان مهم ترین اصل در یادگیری زبان دوم اشاره نموده و مدل های مختلف توانش ارتباطی را در پژوهش خود بررسی نموده است .
برسینگتون وانگ لام کی	۲۰۱۸	نقشه مفهومی برای بهبود یادگیری	به این نتیجه رسیدند که نقشه مفهومی باعث یادگیری معنا دار می شود . و یک راهبرد یادگیری سازنده و مفید برای مرتبط ساختن تئوری با عمل محسوب می شود
جانسون	۲۰۱۸	ماهیت رویکرد ارتباطی	به کار آمد بودن و تغییر نقش معلم در کلاس به عنوان تسهیل کننده اشاره نموده است و همینطور فعال بودن یادگیرندگان و تعاملات اجتماعی و یادگیری بلند مدت اما متأسفانه راهکاری برای روش های یادگیری موثر با این رویکرد ارائه نداده است .
فان،	۲۰۱۷	رویکرد ارتباطی در یادگیری زبان را در آزمونها	بررسی های نظری نشان میدهد این نوع آزمون مبتنی بر رویکرد ارتباطی ممکن است آزمون سازان را به چالش بکشد . و به طور خلاصه برای ارزیابی توانایی های دانش آموزان در برقراری ارتباط به تسلط آنها و توانایی برقراری ارتباط موثر باید توجه کرد
روی	۲۰۱۶	چالش های اجرای رویکرد ارتباطی در بنگلادش و هند	یافته های پژوهشی این تحقیق کشورهای مختلف نشان می دهد که آشنا نبودن با این رویکرد ، عدم زمان کافی ، نداشتن روحیه تیمی و کار گروهی از چالش های مهم این رویکرد بوده است .
عبدالله و مادشا	۲۰۱۵	اعتقادات ادراک ها و نگرش های دانش آموزان با توجه به فعالیت های کلاس درس با تمرکز بر آموزش رویکرد ارتباطی	یافته های این مطالعه ادراکات و نگرش مثبت دانش آموزان نسبت به آموزش ارتباطی و ساختاری را نشان می دهد. ولی دانش آموزان در یادگیری زبان با رویکرد ارتباطی تمایل بیشتر دارند
دیاس	۲۰۱۰	نقشه مفهومی به عنوان ابزاری برای درک مطلب زبان انگلیسی	. نتایج این پژوهش نشان می دهد که ایجاد معنا با ترسیم نقشه های مفهومی می تواند یک راهبرد موثر در خواندن زبان انگلیسی باشد

مواد و روش ها

قرار گرفت . جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل اساتید و
نخبه گان صاحب نظر ، مولفین و سرگروه های درسی و در بخش
کمی دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران بودند (حدوداً ۱۳۰۰
نفر) که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۰۲ نفر برآورد شد.
با استفاده از روش نمونه گیری به نسبت منطقه از شمال، جنوب،
غرب، شرق و مرکز انتخاب شدند. ابزار پژوهش در بخش اول
مصاحبه نیمه ساختاریافته بود روش کار به این شکل بود که،
مطالعه با نمونه گیری هدفمند شروع و بانمونه گیری نظری با
حداکثر تغییر پذیری ادامه یافت. سؤالیهای مصاحبه مؤلفه ها و
شاخصهای یادگیری آموزشی با تأکید بر رویکرد ارتباطی برای
دانش آموزان دوره متوسطه را مد نظر داشت. برای بررسی
مقبولیت و قابلیت پذیرش دیدگاه مشارکت کنندگان، متن

این پژوهش، در زمره تحقیقات توسعه ای به شمار می آید.
رویکرد پژوهش نیز به صورت آمیخته است. نحوه گردآوری و
تحلیل اطلاعات و داده ها در این پژوهش، مشتمل بر دو بخش
اصلی بود. بخش اول، با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی
مؤلفه ها و شاخصهای یادگیری آموزشی دانش آموزان دوره
متوسطه با تأکید بر رویکرد ارتباطی با توجه به نظرات اساتید و
نخبه گان صاحب نظر ، مولفین و سرگروه های درسی مشخص شد.
در بخش دوم که، توصیفی-پیمایشی بود، نظرات دانش آموزان
پیرامون مؤلفه ها و شاخصهای یادگیری آموزشی دانش با تأکید بر
رویکرد ارتباطی بدست آمده از بخش کیفی مورد بررسی

مصاحبه‌ها به صورت تصادفی به تعدادی از نمونه‌ها داده شد، تا مشخص شود که تفسیر نتایج، مشابه نظر ایشان است. از روش بررسی قابلیت اطمینان نیز استفاده شد که طی آن متن مصاحبه‌ها و خلاصه آن به رؤیت همکار پژوهش و یک متخصص روش پژوهش کیفی رسید و اشکالات مربوط به جریان کدگذاری برطرف شد. در بخش دوم پرسشنامه محقق ساخته بسته پاسخ بر اساس مقیاس ۵ نقطه‌ای لیکرت بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه‌های عمیق، در رابطه با مؤلفه‌ها و شاخصهای یادگیری آموزشی دانش‌آموزان دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد ارتباطی تنظیم شد. روایی صوری آن توسط نظر صاحب نظران و روایی محتوایی از طریق ضریب توافق کندال بررسی شد. برای برآورد پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد، ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های یادگیری آموزشی با تأکید بر رویکرد ارتباطی از ۰/۸۰ بالاتر بود که، دلالت بر پایایی ابزار دارد. برای تحلیل سؤالیهای پژوهش در بخش کیفی ابتدا کدهای باز و جزئی اولیه شناسایی گشته و با کنارهم قراردادن آنها بر اساس روابط بینشان، کدهای محوری و کلی تر اولیه ایجاد شده اند. پس از این روند استقرایی، مجدداً کدهای باز اولیه و کدهای باز جدیدتر، به صورت انتخابی در زیر مفاهیم محوری اولیه یا مفاهیم محوری جدیدتر قرار گرفتند. در نهایت با کنارهم قرار دادن و یکپارچه ساختن مفاهیم محوری، کدهای منتخب ایجاد و مؤلفه‌ها بر اساس آن تدوین شد. در بخش دوم برای تأیید مؤلفه‌های بدست آمده از مرحله کیفی تحلیل عامل تأییدی و شاخص‌های برازندگی ۱؛ مجذور کای نرم شده (χ^2/df) ، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) ، شاخص نکویی برازش (GFI) ، شاخص تعدیل شده برازندگی $(AGFI)$ و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب $RMSEA$ استفاده شد.

یافته‌ها

مشارکت کنندگان در پژوهش تعداد ۱۵ نفر از اساتید و نخبه‌گان صاحب نظر، مولفین و سرگروه‌های درسی بودند. از نظر جنسیت ۹ نفر زن و ۶ نفر مرد، از نظر توزیع سنی اکثریت (۱۰ نفر) سن ۳۵ تا ۴۵ سال، ۱۲ نفر سابق تحصیلی مرتبط با حوزه کاری و ۱۱ نفر سابق پژوهشی و آکادمیک در حوزه آموزش داشتند. در بررسی سوال اول در بخش کیفی «مدل مطلوب که می‌توان برای یادگیری آموزشی دانش‌آموزان دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد ارتباطی ارائه داد چگونه است؟» یافته‌های نهایی پژوهش شامل هشت تم (محور) بود که هر کدام حاوی طبقات فرعی بیشماری بود (جدول ۳). محورهای نهایی، ابعاد و مفاهیم استخراج شده در جدول زیر آمده است، ابعاد و مفاهیم از مصاحبه‌ها عبارت از توانایی ارتباطی، ارتباط دو سویه، فرهنگ رویکرد ارتباطی، رویکرد خود باورانه فعال، تسهیل مهارت‌های قابل انتقال بود.

3. Fit index
4. Comparative fit index
5. Goodness of fit index
6. Adjusted Goodness of fit index
7. Root Mean Square Error of Approximation

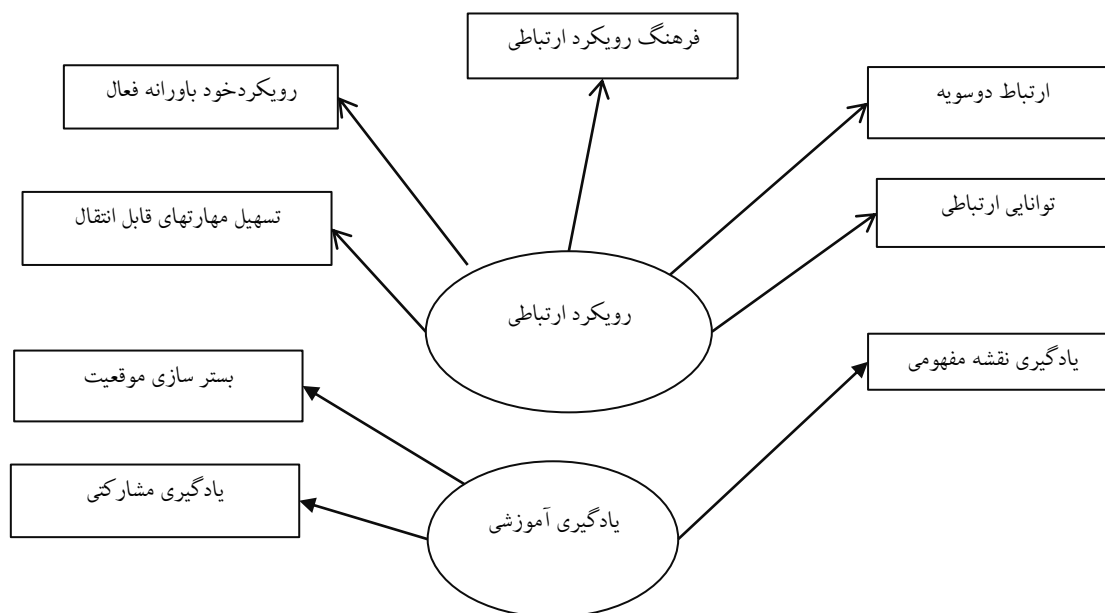
ابعاد	محورها	مفاهیم
رویکرد ارتباطی	توانایی ارتباطی	پیام مد نظر به شکل درستی منتقل شود. توانایی ایجاد ارتباط در موقعیت های یادگیری، همگام بودن با تغییرات و پیشرفت های علمی محیط بیرونی، مهارت ایجاد ارتباط در دانش آموزان، محتوای یادگیری بر اساس رویکرد ارتباطی، توانایی ایجاد ارتباط در موقعیت های یادگیری
	ارتباط دو سویه	تعامل بین معلم و دانش آموز، ایجاد ارتباط با همسالان، ایجاد محیط برای گفتگو و تعامل و رقابت مثبت
	فرهنگ رویکرد ارتباطی	ارتباط گیری و توانش ارتباطی، توانش ارتباطی در موقعیت های گوناگون

ادامه جدول ۳. خلاصه روند استقرایی

ابعاد	محورها	مفاهیم
رویکرد ارتباطی	رویکرد خود باورانه فعال	تمایل دانش آموزان و معلمان به افزایش توانایی خود، استقبال از کار تیمی و پرورش روش های فعال، یادگیری معنا دار، راه یادگیری خودباورانه فعال
	تسهیل مهارت های قابل انتقال	استقبال معلمان و دانش آموزان از تغییرات و سازگاری با آن، افزایش تعامل بین فراگیران، فرصت کافی و وقت گذاشتن برای اعمال مهارت های خود، معلمان علاقه مند به ارتقاء دانش و بهبود عملکرد، دانش آموزان توانمند و علاقمند به یاددهی همسالان خود، موفقیت در یادگیری در گرو آموزش پذیری و خلاقیت، تاکید همزمان بر چهار مهارت زبانی
	یادگیری مشارکتی	تقویت استقلال و مسئولیت پذیری فردی، توجه به تقویت ها و پاداش در گروه، نقش معلم به عنوان تسهیل گر، توجه به افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، کاهش درگیری و رقابت منفی، افزایش کنترل کلاس، تقویت فعالیت تعاملی و یادگیرنده محور کاهش درگیری و رقابت منفی، تقویت ارزشیابی عملکرد محور، توجه به کاربرد فناوری و استفاده صحیح، توجه به مهارت های یادگیری مشارکتی
یادگیری آموزشی	یادگیری نقشه مفهومی	تدوین روش ها برای انتقال یادگیری و خلاقیت، وجود تفکر خلاق به منظور کشف راه جدید برای مسأله، آموختن و جایگزینی شیوه های جدید با روش های قدیم، گفتگو با روش بارش مغزی در رابطه با موضوع یادگیری، تقویت انگیزه برای یادگیری، حمایت از خلاقیت و نوآوری، تشویق تفکر و کشف افکار نو، توجه به اصل یادگیری معنا دار، تسهیل یادگیری، سازماندهی اطلاعات، تقویت و کاربرد فناوری در یادگیری، تقویت کار گروهی و مشارکتی، وضوح بخشیدن به تفکر، تلفیق و یکپارچه کردن دانش جدید
	بستر سازی موقعیت یادگیری	توجه به مهارت پایه مشترک زندگی به عنوان مهارت های مورد نیاز برای افزایش یادگیری، توجه به مهارت شخصی به عنوان مهارت های مورد نیاز برای افزایش یادگیری، توجه به سطح آموزش جلب توجه یا پذیرش، آگاه ساختن یادگیرنده از هدف و انتظار مورد نظر، بازیابی و تحریک یادگیری های پیشین، تدارک راهنمایی برای یادگیری استفاده از کدینگ معنایی، آزمون و فراخوان عملکرد و پاسخگویی در یادگیری، انتقال اطلاعات و تعمیم در یادگیری، توجه به مهارت انسانی به عنوان مهارت های مورد نیاز برای افزایش یادگیری، توجه به سبک یادگیری شناختی و ساختارگرایانه، ادراکی، محیطی، شخصیتی، اجتماعی، آموزشی، همگرا یا هنجارپذیر، واگرا یا هنجارگریز

و خودکفایی دانش آموزان و یادگیری مشارکتی و نقشه مفهومی را دریادگیری آموزشی پوشش می دهد. «تسهیل مهارت های قابل انتقال» دربرگیرنده مقوله های فرعی همچون فرصت کافی و وقت گذاشتن برای اعمال مهارت های خود، استقبال معلمان و دانش آموزان از تغییرات و سازگاری با آن، دانش آموزان توانمندرا علاقمند به یاددهی همسالان خود می کند، تاکید همزمان بر چهار مهارت زبانی می توند طرز فکر، عواطف و نگرش ها و گرایش ها، هنجارها و ارزش های دانش آموزان و اثرپذیری از معلمان و همکلاسیها، را تقویت و نیاز به کنجکاوی، مشاهده، جستجوگری، تفکر و تعقل در یادگیری را در دانش آموزان افزایش می دهد و توجه دانش آموزان رابه سبکهای مختلف یادگیری مانند ادراکی، بساوبی، گروهی، اجتماعی، همگرا یا هنجارپذیرسوق می دهد. مدل نهایی مفهومی یادگیری آموزشی دروه متوسطه با تاکید بر رویکرد ارتباطی در شکل زیر نشان داده شده است.

با توجه به یافته های بخش کیفی محور «توانایی ارتباطی» با مقوله های فرعی مثل، انتقال پیام مد نظر به شکل درست، توانایی ایجاد ارتباط در موقعیت های یادگیری، همگام بودن با تغییرات و پیشرفت های علمی محیط بیرونی زمینه را برای یادگیری ایجاد می کند. «ارتباط دو سویه» که درسه مقوله فرعی تعامل بین معلم و دانش آموز، ایجاد ارتباط با همسالان و ایجاد محیط برای گفتگو و تعامل و رقابت مثبت تعریف شدن نقش محوری در برقراری ارتباط و تعامل و گفتگو را باز می کند و می تواند یادگیری شفاهی را تقویت کند و پله پرشی برای یادگیری مشارکتی باشد. انتقال اطلاعات به گروه همسال را آسان می کند رقابت منفی را کاهش و توجه به مهارت های یادگیری مشارکتی را افزایش می دهد. «فرهنگ رویکرد ارتباطی» توانش ارتباطی در موقعیت های گوناگون و انعطاف پذیری دانش آموزان را در موقعیت های مختلف یادگیری رقم می زند. فراهم سازی انواع فرصت های یادگیری، تقویت تبادل اطلاعات با توجه به رشد شناختی، تقویت فعالیت تعاملی و یادگیرنده محور، کاهش درگیری و آموختن و جایگزینی شیوه های جدید با روش های قدیم باعث افزایش مهارت های یادگیری مشارکتی می شود. «رویکرد خود باورانه فعال» تمایل دانش آموزان به افزایش توانایی خود، رفتارهای تشویق تفکر و کشف افکار نو، تقویت انگیزه برای یادگیری، وجود تفکر خلاق به منظور کشف راه جدید برای مسأله، تقویت استقلال و مسئولیت پذیری فردی و تعامل های گروهی با حفظ استقلال فردی



شکل ۱. مدل نهایی مفهومی یادگیری آموزشی دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد ارتباطی
 در مرحله کمی ۲۰۲ نفر از دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تهران در این پژوهش شرکت کردند. ۳۰ درصد از دانش آموزان پسر و ۷۰ درصد دختر، سن ۱۶/۷ تا ۵۳/۷ درصد از دانش آموزان بین ۱۴-۱۶ سال و ۴۶/۵ تا ۶۰/۴۰ درصد سن داشتند. در مقطع اول دبیرستان و ۳۹/۶۰ درصد مقطع دوم دبیرستان، ۱۰/۸۹ درصد از دانش آموزان معدل کمتر از ۱۵، ۲۳/۷۶ درصد بین ۱۶-۱۸ و ۶۵/۳۵ درصد معدل بالای ۱۸ داشتند.

جدول ۴. شاخص های برازندگی مدل

GFI	CFI	RMSEA	χ^2/df	df	χ^2	شاخص های برازندگی
۰/۵۴	۰/۹۷	۰/۰۹۵	۲/۳۴	۴	۱۰۴/۰۳۱	مقادیر شاخص ها

بر اساس جدول فوق، شاخص های برازندگی مورد بررسی نشان داد، مجذور کای نرم شده برای مدل اندازه گیری در این پژوهش ۲/۴۳ بود که بیان کننده برازندگی قابل قبول مدل با داده است. شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) ۰/۹۷ و شاخص نکویی برازش (GFI) برابر ۰/۹۷ و شاخص تعدیل شده برازندگی (AGFI) نیز ۰/۵۴ و همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریباً ۴ RMSEA برابر با ۰/۰۹۵ بود. که بر اساس مقادیر بدست آمده می توان گفت مدل بدست آمده برازش مناسبی با داده ها دارد. مدل با ضرایب مسیرا استاندارد به شکل زیر بود.

شکل ۲- مدل یادگیری آموزشی دانش آموزان دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد ارتباطی در حالت تخمین استاندارد جدول ۵ مقادیر t برای معناداری ضرایب مسیر را نشان می دهد.

- 1 Comparative fit index
- 2 Goodness of fit index
- 3 Adjusted Goodness of fit index
- 4 Root Mean Square Error of Approximation

جدول ۵. میزان تأثیر و معناداری روابط بین مؤلفه‌ها در مدل یادگیری آموزشی دانش آموزان دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد ارتباطی

ردیف	روابط بین متغیرها	ضریب تأثیر	مقدار معناداری	تأیید/رد
۱	توانایی ارتباطی--> یادگیری آموزشی دانش آموزان	۰.۴۹	۲۵.۷۶	تأیید
۲	ارتباط دو سویه--> یادگیری آموزشی دانش آموزان	۰.۵۸	۱۵.۸۴	تأیید
۳	فرهنگ رویکرد ارتباطی--> یادگیری آموزشی دانش آموزان	۰.۵۷	۱۰.۱۶	تأیید
۴	رویکرد خود باورانه فعال--> یادگیری آموزشی دانش آموزان	۰.۷۳	۲۰.۵۰	تأیید
۵	تسهیل مهارت‌های قابل انتقال--> یادگیری آموزشی دانش آموزان	۰.۸۰	۳۶.۵۲	تأیید
۶	یادگیری مشارکتی--> یادگیری آموزشی دانش آموزان	۰.۸۴	۹۸.۲۴	تأیید
۷	یادگیری نقشه مفهومی--> یادگیری آموزشی دانش آموزان	۰.۷۵	۷۱.۳۴	تأیید
۸	بستر سازی--> یادگیری آموزشی دانش آموزان	۰.۷۰	۸۰.۱	تأیید

ارتباطی در شرایط موجود از ۳/۱۰ برای ارتباط دو سویه تا ۳/۲۹ برای تسهیل مهارت‌های قابل انتقال بود. نتیجه آزمون t نشان داد، میانگین تسهیل مهارت‌های قابل انتقال و فرهنگ رویکرد ارتباطی از دیدگاه دانش آموزان دوره متوسطه به صورت معناداری بیشتر از حد انتظار بود ولی میانگین بقیه مؤلفه‌ها کمتر از حد انتظار بود. نتایج آلفای کرونباخ نشان می‌دهد مؤلفه‌های یادگیری دانش آموزان از اعتبار قابل قبولی برخوردارند.

با توجه به نتایج بدست آمده در مدل، مقدار t برای ضرایب در تمام مسیرها بیشتر از ۲ بود در نتیجه ضرایب در تمام مسیرها معنادار بودند و مؤلفه‌های رویکرد ارتباطی عبارت از توانایی ارتباطی، ارتباط دو سویه، فرهنگ رویکرد ارتباطی، رویکرد خود باورانه فعال، تسهیل مهارت‌های قابل انتقال بود.

بررسی سوال «وضعیت مؤلفه‌های یادگیری آموزشی دانش آموزان دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد ارتباطی در شرایط موجود چگونه است؟» نتایج بیانگر این بود که (جدول ۶)، میانگین مؤلفه‌های یادگیری دانش آموزان دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد

جدول ۶. توصیف دیدگاه دانش آموزان راجع به مؤلفه‌های یادگیری دانش آموزان دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد ارتباطی (میانگین نظری: ۳)

محورها	آلفای کرونباخ	میانگین	انحراف استاندارد	t	pvalue
توانایی ارتباطی	.835	3.12	.85	۳۸۱.۱	۱۶۹.
ارتباط دو سویه	.821	3.10	.74	۲۵۴.۱	۱۵۸.
فرهنگ رویکرد ارتباطی	.802	3.21	.89	۴۱۵.۲	۰۱۷.
رویکرد خود باورانه فعال	.817	3.18	.97	۹۵۶.۱	۰۵۲.
تسهیل مهارت‌های قابل انتقال	.831	3.29	.94	۵۰۲.۲	۰۱۱.
یادگیری مشارکتی	.824	3.17	.86	۹۴۵.۱	۰۵۴.
یادگیری نقشه مفهومی	.808	3.13	1.11	۲۹۱.۱	۱۵۲.
بستر سازی	.904	3.19	1.21	۸۷۰.۱	۰۵۸.

مفهومی در یادگیری آموزشی زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم توسط پژوهشگرانی مانند؛ گیونس و آکیگوز، شارلوت و دی پاکر، و کیلی فرد، آرمند و بارون، اوجیما، یادامو استفاده مورد تأیید قرار گرفته است. این پژوهشگران نشان دادند که کاربرد نقشه مفهومی در درک بهتر متن، سازماندهی، ساختار بندی و شناسایی ایده‌های اصلی متن، مکالمه، درک تکلیف موثر است. دیاس (۲۰۱۰) ذکر می‌کند نقشه مفهومی به عنوان ابزاری برای درک مطلب زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم باعث ایجاد معنا می‌شود با ترسیم نقشه‌های مفهومی دانش آموزان می‌تواند یک راهبرد موثر در خواندن زبان انگلیسی داشته باشد. حکیم زاده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود مهم‌ترین موارد یادگیری مشارکتی را تقویت مهارت خودرهبی، (ویمان، ۲۰۰۲) تسلط بر محتوای کلاسی، (جانسون و جانسون، ۲۰۰۰) انتقال جهت گیری انگیزشی از بیرون به درون، (دیوی، ۱۹۱۶) افزایش گروه گرایی، (کارامی آل، ۲۰۱۲) کاهش اضطراب، (لینگ، ۲۰۱۰) بهبود نگرش و افزایش عزت نفس، (اسلاوین، ۱۹۸۳) گسترش تعاملات فردی و اجتماعی (جانسون و جانسون، ۲۰۰۰) افزایش نقش پذیری، (اسلاوین، ۱۹۹۵) ارتقا و پیشرفت مهارت‌های چهار گانه خواندن، نوشتن، گوش دادن و صحبت کردن در یادگیری زبان دوم اشاره کردند. امروزه این رویکرد با ارائه تعریفی جدید از آموزش و یادگیری، مبانی روش‌های سنتی را در تدریس زبان دچار چالش و عناصر آموزشی تدریس و به طور ویژه مؤلفه‌های یادگیری زبان دوم را با تغییر و تحول مواجه کرده است. جاکوبز و فارن (۲۰۰۳) آموزش ارتباطی را به عنوان یک تغییر پارادایمی در حوزه آموزش زبان ذکر می‌کند که در بستر تغییر

بحث و نتیجه گیری

یافته‌ها بیانگر این بود که، مؤلفه‌های رویکرد ارتباطی (توانایی ارتباطی، ارتباط دو سویه، فرهنگ رویکرد ارتباطی، رویکرد خود باورانه فعال، تسهیل مهارت‌های قابل انتقال) می‌توانند یادگیری مشارکتی، نقشه مفهومی و بستر سازی برای یادگیری آموزشی دانش آموزان دوره متوسطه و یادگیری زبان دوم را تسهیل کنند. نتیجه این پژوهش با نتایج شارلوت و دی پاکر (۲۰۰۴)، و کیلی فرد، آرمند و بارون (۲۰۰۶)، اوجیما (۲۰۰۶)، یادامو (۲۰۰۵)، گیونس و آکیگوز (۲۰۰۷)، سیتایدی (۲۰۱۴)، نجاتی، چراغی، ناصری (۱۳۹۷) همخوانی داشت. زمینس و داوونز (۲۰۰۴) سه محور ابداع و نوآوری، تحقیق، اجرا، سیستمی کردن را محورهای نظریه ارتباط گرای ذکر کردند. مدل‌های توانش ارتباطی دل‌هایمز، کنل و سوین، بکمن، مورسیا - دورنیتنه نیز مؤلفه‌های یادگیری ارتباطی را توانش گفتگو، روحیه تیمی، هدف، موقعیت یادگیری، توانش دستوری، ارتباط معنی دار، توانش راهبردی، ارتباط معنی دار، شایستگی کلامی، برقرای ارتباط عنوان کردند. لیتل وود (۲۰۱۰) توانایی کلامی، توانش گفتگوی ارتباطی، توانش عملگرایی، جامعه شناختی، صلاحیت اجتماعی - فرهنگی را از محورهای اصلی یادگیری ارتباطی می‌داند. در واقع اکثر پژوهشها و نظریه‌ها به نحوی بر توانایی ارتباطی، ارتباط دو سویه، فرهنگ رویکرد ارتباطی، رویکرد خود باورانه فعال و تسهیل مهارت‌های قابل انتقال در یادگیری ارتباطی تأکید دارند. از طرفی استفاده از نقشه

1-Setiadi

قابل انتقال و فرهنگ رویکرد ارتباطی از دیدگاه دانش آموزان دوره متوسطه به صورت معناداری بیشتر از حد انتظار بود ولی میانگین بقیه مولفه ها کمتر از حد انتظار بود. نتایج پژوهش (بهر روزی، آموزگار و علیپور، ۱۳۹۴) تحت عنوان آسیب شناسی برنامه درسی زبان انگلیسی از دیدگاه معلمان و دانش آموزان دوره متوسطه در شهر بوشهر نیز نشان داده است که عوامل آموزشی مانند (استفاده از الگوها و روش های تدریس نامناسب، عدم وجود امکانات و تسهیلات لازم، رویکردهای ارزشیابی غیر معمول برنامه درسی زبان انگلیسی و فقدان نگاه کاربردی به یادگیری درس زبان انگلیسی) و عوامل برنامه درسی تحت عنوان (نبود پیش زمینه فرهنگی، ناتوانی در استفاده از روشهای جدید و مدرن آموزش زبان انگلیسی، استفاده از متون و محتوای نامانوس و کم بودن تعداد ساعات آموزش زبان انگلیسی) از مهمترین آسیب های برنامه درسی مورد مطالعه می باشد. بنابراین در وضعیت موجود این هشت آسیب، عوامل آسیب زای نظام یادگیری زبان دوم در ایران است و برای ارتقای وضعیت یادگیری زبان دوم در مدارس باید به این آسیب ها توجه کرد. خیر آبادی، داوری، علوی مقدم (۱۳۹۶) با تحقیقی با عنوان سنجش برداشت کیفی معلمان از آموزش با رویکرد ارتباطی و جایگاه این مقوله در کتابهای نو تالیف زبان انگلیسی به جایگاه این رویکرد در کتابهای جدید التالیف پرداخته اند و نقش رویکرد ارتباطی را در کتابهای درسی از منظر معلمان ارزیابی نموده اند که مهمترین نتیجه ای که از این تحقیق به دست آمده است این است که بسیاری از معلمان حتی در حد مبانی نظری با این رویکرد آشنایی ندارند. به نظر می رسد در عصر حاضر نظریه ی ارتباط گرای بتواند در مقایسه با رویکردهای رایج سهم بیشتری در ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری زبان دوم ایفا نماید. بنابراین، با توجه به نتایج حاصل از پژوهش ضرورت دارد متخصصان حوزه ی تعلیم و تربیت زمینه ی استفاده از آموزه های ارتباط گرای را در آموزش و یادگیری به طور عام و آموزش و یادگیری زبان انگلیسی به طور خاص فراهم آورند.

References

- Hosseinkhah, A. Mehr Mohammadi, M. Fardanesh, H. Akbari, R., (2013). Comparative study of English language curriculum in Iran and Sweden with emphasis on high school. Curriculum studies. Issue 31. 46-7
- Khosravi Babadi, A. Pushneh, K. Aghazadeh, M., (1391). Research methods in educational sciences: quantitative, qualitative, mixed. Tehran: Ayizh.
- Dardipour, A. Hajipournejad, G. Motahari, M. (2009). The effect of learning strategies in language textbooks on language learning. Journal of Educational Sciences: Research and writing of academic books. No. 21. 111-92.
- Mintz, s. (2013). Transformational learning. Advancing teaching and learning.
- Mirhashemi, M. (01391). Guide to writing and compiling scientific articles in behavioral and social sciences. Roodehen: Vice Chancellor for Research,

پارادایمی کلان از مدرنیسم به پست مدرنیسم و از رفتار گرایی به شناخت گرایی شکل گرفته است. آموزش ارتباطی زبان مستلزم دور شدن از اصول روانشناسی رفتارگرا و زبان شناسی ساختارگرا به سمت روانشناسی شناختی و شناختی - اجتماعی و دیدگاههای زبانی بر پایه معنا و کنش می باشد. در رویکرد ارتباطی هدف تسلط و فراگیری توانش ارتباطی است که طبق این رویکرد بر توانش زبانی تقدم و اولویت دارد، و این برخلاف روشهای سنتی پیشین است که یادگیری ساختهای زبانی غایت زبان آموزی بوده است. البته باید تأکید کرد که در رویکرد ارتباطی آموزش ساختهای زبانی/دستوری حذف نمی شود و مسلماً بدان نیاز است. تنها این که آموزش کارکردهای ارتباطی بر آموزش ساخت زبانی تقدم دارد. بنابراین ایجاد مهارتهایی مانند توانایی ارتباطی، ارتباط دو سویه، رویکرد خود باورانه فعال و ایجاد فرهنگ بارویکرد ارتباطی و تسهیل مهارتهای قابل انتقال می تواند یادگیری نقشه مفهومی و یادگیری مشارکتی دانش آموزان را در یادگیری زبان دوم ارتقای دهد. در مرحله کمی نیز تحلیل عامل تأییدی مقادیر شاخص های برازندگی دلالت بر برآزش مدل با داده هاداشت. مجذور کای نرم شده برای مدل اندازه گیری در این پژوهش ۲/۳۴ بود که بیان کننده برازندگی قابل قبول مدل با داده است. شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) بالاتر از ۰/۹ و شاخص برازندگی نرم شده (NFI) برابر ۰/۹۷ و همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب ۳ RMSEA برابر ۰/۰۹۵ بود. که بر اساس مقادیر بدست آمده می توان گفت مدل بدست آمده برآزش مناسبی با داده ها دارد و از مدل فوق استنباط می شود که، از نظر دانش آموزان دوره متوسطه نیز مولفه های یادگیری آموزشی با تاکید بر رویکرد ارتباطی عبارت از: توانایی ارتباطی، ارتباط دو سویه، فرهنگ رویکرد ارتباطی، رویکرد خود باورانه فعال، تسهیل مهارتهای قابل انتقال، یادگیری مشارکتی، نقشه مفهومی و بستر سازی برای یادگیری آموزشی بود. همچنین نتایج به دست آمده نشان می دهد: یادگیری آموزشی با ضریب ۰/۸۴ بیشترین اثر و توانایی ارتباطی با ضریب ۰/۴۹ کمترین اثر را بر یادگیری آموزشی دانش آموزان داشتند.

نتایج این پژوهش با توهافی (۲۰۱۴)، عبدالله و مادشا (۲۰۱۵)، جانسون (۲۰۱۶)، چناری (۱۳۹۴)، عباس نژاد و سلیمی (۱۳۹۵)، شبیری (۱۳۹۵)، کریمی (۱۳۹۵) همخوانی داشت. در واقع یادگیری موثر زبان به تعاملات اجتماعی که از طریق افزایش ارتباط با زبان مقصد ایجاد می شود، بستگی دارد یادگیری مشارکتی با خلق زمینه های طبیعی و تعاملی دانش آموزان را به گوش دادن به یکدیگر، پرسشگری و توضیح مسائل دعوت می کند. این تعاملات گروهی باعث می شود تا یادگیرندگان از طریق گفتگو و مذاکره، درون داد ها را بیشتر بفهمند و با تغییر و اصلاحی که در برون دادها ایجاد می کنند، یادگیری را برای دیگران قابل فهم تر کنند. در واقع نظر دانش آموزان با نظرسنجانظران و اساتید و مولفین کتابهای درسی همسو بود. توجه به مهارت شخصی به عنوان مهارتهای مورد نیاز برای افزایش یادگیری، آگاه ساختن یادگیرنده از هدف و انتظار مورد نظر، بازیابی و تحریک یادگیری های پیشین، تدارک راهنمایی برای یادگیری استفاده از کدینگ معنایی، انتقال اطلاعات و تعمیم در یادگیری، توجه به مهارت انسانی به عنوان مهارتهای مورد نیاز برای افزایش یادگیری، توجه به سبکهای مختلف یادگیری می تواند زمینه را برای یادگیری زبان دوم فراهم کند. در پاسخ به سوال «وضعیت موجود مولفه ها و عناصر مدل مطلوب یادگیری آموزشی دانش آموزان با تاکید بر رویکرد ارتباطی چگونه است؟» نتیجه آزمون t نشان داد، میانگین تسهیل مهارتهای

- 1- Comparative fit index
- 2- normed Fit Index
- 3- Root Mean Square Error of Approximation

Islamic Azad University, Roodehen Branch.

6. Kalhor, M. Mehran, G. (1394). The Impact of Concept Map on Meaningful Secondary English Language Learning. *Journal of Educational Sciences. Research in educational systems.* No. 29.217-193.
7. Johnson, A.p. (2018) .communication language Theories .conference proceeding handbook. International conference ..The American proceeding of Social & Behavioral Sciences .https://dx.dio.org/10.15405/epsbs.2018.09.02.31.
8. Patton, Q., M. (2002). Qualitative Research and Evaluation Methods. *Journal of the American Society for Information Science*, 51 (8), 734- 744.
9. Niko T (2014). Thesis: Attitudes of foreign language teachers in high school related to language communication approach. Tehran: Allameh Mohaddes Nouri Institute of Non-Governmental and Non-Profit Higher Education, Faculty of Foreign Languages
10. Karimi, S. (1395). Thesis .English language teaching with emphasis on communication approach (analysis of lived experiences of teachers. Kurdistan: Kurdistan State University.
11. Richards, C.J. (2006) .Communicative Language Teaching Today .Cambridge: Cambridge University Press.
12. Khairabadi, R. Alavi Moghaddam, b. Davari, H. (1396). Qualitative assessment of language teachers' perceptions of grammar teaching in the communication approach and the place of this category in English language books. *Linguistic research in foreign languages.* Volume Two .Number Two. 526-497.